



گل باوینه

مجموعه‌ی اشعار بختیاری

فریده چراغی

مقدمه نسخه الکترونیک کتاب «گل باوین»

دادار شاعر مشهور و سیاست
 مجموعه شعر «گل باوین» در سال ۸۱ تقدیم علاقه‌مندان گردید و با گذشت مدتی لوآه نامیاب شد. اکنون
 از ده سال از چاپ نخستین این اثر می‌گذرد و علی‌رغم درخواست بسیاری دوستان برای باز چاپ آن،
 مساعلمه‌های فراوان سرانیده، ویرایش و چاپ دوباره‌ی آن را ناممکن ساخت. چه شعر هر شاعر روایت‌گر
 عواطف، حس و حال و دانش‌های ادبی او در یک برهه‌ی زمانی خاص است و هر شاعر در دوره‌ی خاص عمری
 میری تعلق‌ی لایمی نماید. در این میان احترام به خواست دوستان و علاقه‌مندان از یک سو و عمر مطلق کتاب‌گر
 قضای مجازی در زمینه‌ی ادب الکترونیکی آثار نخستین که حاصل بی‌توجهی به ضرورت دیجیتال‌سازی آثار
 کتابی است، مرا بر آن داشت تا نسخه‌ی الکترونیکی «گل باوین» را در این رساله‌ی دوباره‌ی طبع
 همسایانم ایجاد و علاقه‌مندان ادبیات بومی بومی را در این میان امید به این کار آغازی باشد در راستای
 منابع پیراسته و استاندارد الکترونیکی (برای‌سازی نسخه دیجیتال با نسخه چاپی اثر) فراهم‌آوردن فرهنگ و ادب
 کتابی در گستره‌ی فضای مجازی.

نسخه چاپی «گل باوین» تقدیم شده به سینه‌ی برادرم محمد رضا ویتام: پیرم ولی این بار
 نسخه الکترونیکی آن را تقدیم می‌نماید به سینه‌ی سید ام ویتامی فروخته‌ی رخام: روا یا آن عزیز
 با احترام فرزند جوانی

نوروز ۱۳۹۲

بر اساس اجازه کتبی شاعر محترم، بارگذاری و دانلود این اثر در زمین فرهنگی مجازی به منظور اعتلای فرهنگ و ادب بومی ایران زمین بلائخ است.



نشر صنوبر

گل باوینه

(بابونه)

مجموعه اشعار بختیاری

فریده چراغی

«مَمیرا»

● صنوبر، ۱۳۸۱

چراغی، فریده، ۱۳۵۳	
گل باویننه: مجموعه اشعار بختیاری / فریده چراغی.	
اصفهان: صنوبر، ۱۳۸۱	
۷۵۰۰ ریال	ISBN 964-6052-11-8
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.	
(۱) شعر بختیاری - قرن ۱۴. (۲) شعر فارسی - قرن ۱۴.	
الف - عنوان. ب - عنوان: مجموعه اشعار بختیاری.	
۳۴۳ ب ۳۲۸۴ / PIR	۸فا۹/۳۱
۱۳۷۹	ب ۳۲ چ
	۱۳۷۹
کتابخانه ملی ایران	۷۹-۲۲۷۵۶ م

● تقديم به:

تيام^(۱): پدرم

نفسم^(۲): مادرم

سيتيئم^(۳): برادرم محمدرضا

۱- چشمانم. ۲- بهانه زندگانيم. ۳- باعث استواريم.

نشر صنوبر

● اصفهان ● خیابان چهارباغ عباسی ● پاساژ پارس

● طبقه دوم شماره ۴۸

● تلفن: ۰۳۱۱-۲۲۱۱۲۵۵ و ۰۹۱۱۳۳۵۹۱۸۹

● گل باوینه

● فریده چراغی

● چاپ اول ۱۳۸۱ ● شمارگان ● ۲۰۰۰ جلد

● طرح روی جلد الهام امیری

● حروفچینی کارگاه صنوبر الهام امیری، الهام کھیش

● لیتوگرافی ایران

۰۳۱۱-۲۳۶۴۴۶۱

● چاپ نوید

۰۳۱۱-۲۳۳۷۵۸۷

● شابک ۸-۱۱-۶۰۵۲-۹۶۴-۹۶۴

ISBN 964-6052-11-8

● حق چاپ محفوظ است.

- ۱۹ لَچَکِ ستاره دوزی
- ۲۲ گل سُهر
- ۲۴ نالِ نال
- ۲۶ شہ پیسہ
- ۲۸ سَوَزُم و سیرہ
- ۳۰ مشق پریشونی
- ۳۲ بُغض کی مند
- ۳۴ تی کال
- ۳۶ دَنگ اول
- ۳۹ بُرگ چوگ
- ۴۲ چُمَت
- ۴۴ دو بیتی

۴۶	برای عروسکم گلنار
۴۹	لچک ریالی
۵۱	زینشت
۵۳	گل آرمون
۵۵	دلتنگی
۵۷	می نا بنوش
۵۸	صدای ایل
۶۰	زون عاشقونه
۶۲	پل افتو
۶۴	دُهدر مه
۶۶	هلهوف
۶۸	آر بیدی
۷۰	آسمون جُل
۷۲	تی به زو
۷۴	شار شیوسته
۷۵	شوگار تیات
۷۶	مُنه وَرد
۷۸	بَنگ
۸۰	خوخوک
۸۲	عشق خُمون
۸۵	وا تو

- ۸۷ درد باواجد
- ۸۹ کو و بلند
- ۹۱ افتو عشق
- ۹۳ بائیم کال
- ۹۵ گه گریدم
- ۹۷ مهره مار
- ۹۹ دَهدَر بُهار
- ۱۰۱ زحم قدیمی
- ۱۰۳ اویدی
- ۱۰۵ نَفْسَم
- ۱۰۷ هَل هَل کوسه
- ۱۰۸ سوزم و سیره
- ۱۱۱ فرهنگ اصطلاحات

● مقدمه

● پیش درآمدی بر گلهای بابونه

● اردشیر صالح پور

● استاد دانشکده‌های هنر

دخترانی که لچک به ستاره می‌سایند و دامن و گلین خود را از
گل‌های بابونه پر می‌سازند، پیراهنی از حریر به تن و کفشهایی از نسیم به
پا، دخترانی که نسب و خویشاوندی‌اشان به سرسبزترین سروهای
همیشه بهار می‌رسد و مادر بهار آنان را در دامن سبز و عطرافشان خود
پرورش داده دخترانی که هفت پشت و تبارشان به دریا‌های پرخروش
می‌رسد و از زلالی طعنه به چشمه می‌زنند و «سروناز» که خود خدای
ناز و نشم است، این الهگان کوچک، الهگان ناز، الهگان زمینی که
صبحگاهان پیاله‌ای نور از مشک آفتاب می‌نوشند و شامگاهان از شیر
نقره‌ای مهتاب قدحی در می‌کشند و سرمست عشق و صفا و صمیمیت
می‌شوند و دیرگاهان سر بر بالشی پرآواز کبک می‌نهند و تنهایی خود را

با «لال بئیگ» این عروسکان خاموش خود ساخته تقسیم می‌کنند تا مشق زندگی کنند. در اسطوره‌های لری و بختیاری آفتاب پسر است و مهتاب دختر... گُرافتو... دُهدرِمَه... دختر مهتاب... و «فریده چراغی» «ممیرا» دختری از همین ایل است که نسبش به دو شاخه‌ی بزرگ بختیاری می‌رسد، از سوی «هفت لنگ» و از دیگر سو «چهارلنگ» او یک بختیاری تمام عیار است، دختری از ایل بختیاری و باصفا همچون گل‌های بهاری... «ممیرا» اگر چه تحصیلات عالی خود را در زبان و ادبیات فارسی گذرانده اما همواره تعلق خاطری بی‌حد و حصر نسبت به شعر و گویش بختیاری دارد و کهنه‌ترین واژگان و اصطلاحات را از خورجین مادران ایل می‌گشاید تا در مضامینی تازه آن را به کار بندد.

موز نسل آسمونم لچکُم ستاره‌دوزی

مویگَلین سوزِ دشتُم پُر ز افتور روزی

مویجووم حریر موجه و نسیم گوش پامه

مویبووم یه سرو سوزه، دُهدر بهار دامه

در شعر «ممیرا» تأثیر شاعران متقدم و متأخر از نظامی گنجوی گرفته تا «فروغ» و «سهراب» و از «احمد شاملو» تا «سیدعلی صالحی» کمابیش به چشم می‌خورد. او همچون همه بختیارها روحش از «نوستالژی» لری موج می‌زند دردهای او به عنوان یک دختر بختیاری در اشعار «زَنِشت» «آتَشک» و «دردین» محسوس است. او که خود در دامنه‌های «اشترانکو» و «قالی‌کوه» و گهر به دنیا آمده هم اکنون ساکن

دیوار الیگودرز است و همواره ارتباط و پیوند عاطفی و روحی خود را با طبیعت و رنگین کمانهای آن دشتهای سبز حفظ کرده است، سرزمینی که مردمانش چون زلالی چشمه‌ها، طبعی روان دارند، طبیعتی شعرافشان و لطیف که سخنوران و گویندگان بسیار دارد. مردمانی که نفسشان شعر و موسیقی است. نسیمی عطرافشان از «ریواس» و «چویل» و مادرانی که صبحگاهان رنجهای خود را به نوای مشک‌زنی به نسیم «اشترانکوه» می‌سپارند و «گاگریوه‌هایشان» از هجران و محبت سرشار است.

در سرایش این مجموعه احساسات دخترانه و گاه کودکانه با همان صفا و صمیمیت جاری کمابیش آشکار است. همان باور کودکانه‌ای که اگر دختری به سمت قوس و قزح و سوز و سیر بدود و در آن وارد شود «پسر» خواهد شد و اگر پسر باشد دختر آرمانی ایل را به دست خواهد آورد... و نیز در شعر «گلناز» عروسک دختری ایللیاتی همدم راز و نجواهای شبانه او می‌شود که گویای فرهنگ ایل است، کودکی که حالا دیگر بزرگ شده و دوران باصفا و شیرین خود را پشت سر نهاده،

گَهپِ اَویدُم تونِ وَنِدِن به تش

هم تو بلا بیدی و هم روز خَش

و دریغ و افسوس که:

آه هفت سالگی بعد از تو هر چه رفت در اندوه و درد رفت. عروسک همدم و همدُرنگ دختران برای بزرگ شدن و محیط‌پذیر شدن جامعه ایل است. در میان اشعار موزون که گاه طرح‌های شاعرانه‌ای به اوزان

سپید نیز در این دفتر آمده است که رویکردی امروزی به مفاهیم فرهنگ ایلی ست، «زمین شُلگنیده ز خرسای ماه پری» و نیز رعایت جناس موسیقایی لفظی بعضی واژگان از یاد و ویر رفته که اصطلاحات خاص است. شعر «بایم کال» ساده و زیباست.

ایخوم ای گل بگِرم پر بنشینم کِلِ مالِت
بی خَورَمَنَدُمِه چندی ز تو و روزت و حالت
اینیَرُم به تیات ای همه جون تو بهارون
تا بتینی به گلین دلم او بایم کالت

من به چشمهای تو ای همه جانت بهار چندان نگاه می‌کنم تا
درخت بادام چشمهای قهوه‌ای‌ات را به دامن دلم بتکانی...
اما جستجو و دستیابی به زبان و قالبی تازه و به یگانگی رسیدن
ویژگی‌هایی است که «ممیرا» در شعر به دنبال آن است. بسیاری از سنتها
و رسم و رسومات زندگی عشایر دستخوش تحولات تازه شده‌اند، و
همین رویکرد است که می‌تواند شعر او را بیش از پیش زنده نگاه دارد.
ما دیگر آن کوچندگان وارگه‌های بهار و پاییزه نیستیم، ما در دنیای
تازه‌ای گام نهاده‌ایم که سقف کوتاه آپارتمانها آسمان پر ستاره ایل را از ما
دریغ می‌دارد و طبع سرکش و کوهستانی ما روز به روز محدود و
محدودتر می‌شود و مناعت طبع را از ما می‌گیرد. ما ماندگان از کوچ ایل
هستیم که به وارگه‌های ماندگاری اقامت افکنده‌ایم و پیوند و الفتمان
چونان گیاهی خشکیده در گرمسیر تنها رایحه‌ای دیرین را به مشام
می‌رساند.

باری سخن کوتاه، بختیاری برای مانایی و ماندگاری اش در این روزگار راهی جز تکیه بر فرهنگها و استراتژی فرهنگی ندارد والا دیر یا زود در روند پر شتاب تهاجم فرهنگی مستحیل می شود و نسلهای آینده بویی از این فرهنگ نخواهند برد... و «ممیرا» آغازی خوش و پر امید را بر دفتر و جریده ایل نوید می دهد که امید «دیرزیاد» و «دیربماناد» تا به ذوق و قریحه شاعرانه اش شاهد سروده ای اینچنین زیبا و سترگ بر دفتر شعر ایل باشیم. چنین باد...

● گل باوینه

لَجِكِ ستاره دوزی

بنیر به مال و مردم که دیه صفا نمنده
 مین جانماز سینه، به خدا خدا نمنده
 همه سون ز ویر بردن که یه روزی عهد بستن
 ز کھی چی اُشتر ونگه دیدی عاقوت و رستین
 همه ایلاق انشستین مین یه بھون^(۱) افتو
 گله مون^(۲) برده غارت شون غافل بدل خو
 همه آرمونسون بی که لواسانه درارن
 که بیان به شهر و دنگی به سرِ خُسون بیارن

۱- سیاه چادر ۲- شبان، جویان

بگ ای پیای ایلم گجینه بنگِ تفنگِ
 گجینه خروش غیرت گجینه چنگِ پلنگِ
 تو ز نسلِ سوز طوبیِ مینِ عرش ریشه داری
 سیچِه به هوایِ کندن من دَسْتُ تیشه داری
 تو بیو قدرِ خُمونِه زیو واپشت^(۱) بدونیم
 که ز طافِه آفتو وُ مه و ز نسلِ آسمونیم
 پَه بیو که او نریزیم زیو واپشت به چاله
 تونِ به او شیر دات و تونِ احمد فداله^(۲)
 موزِ نسلِ آسمونم، لچگم ستاره دوزی
 موگِ لین^(۳) سوز دشتُم پُره ز آفتو روزی
 مو جوم حریر موجه و نسیم گوش پامه
 مو بوم یه سرو سوزه دُهدر بَهار دامه
 تو بیو سی خاطرِ دل همو شیراولی بو
 نومتِ عوض مکن گو تو بیو و صحنعلی بو
 به گر خروش دریا ایرسه مو هفت پُشتم
 دل آسمونِ ایشنه هنی نعره و قُشتم^(۴)
 به زلالت و خروشت ادی هی طنا^(۵) به چشمه
 تو ایشنی^(۶) سرونازه که خدای ناز و نَشِمِه^(۷)
 یه پیاله نور هر صُخو ایخورم ز مَشکِ آفتو

۱- اصطلاحی است - کنایه از بی لیاقتی

۲- احمد بن فداله امامزاده‌ای است (در لرستان) ۳- دامان

۴- خروش، فریاد ۵- طعنه ۶- می‌شناسی ۷- کرشمه

گل باوینه / ۲۱

موبغیر شیر مهتو بخدا که نی نهَم لَو
موز طافه افتو و مه توز نسلِ آسمونی
تو بِلند سرفرازی سی چه قدر خُت ندونی

گل سُهر

رَهْدی (۱) وایچُ (۲) هنی فصلِ خزونه گُلِ سُهر
 ایچُ بارونِ صفا خینِ گِرونه گُلِ سُهر
 رَهْدنِ آسونه و صد خیف که مو پاپتی ام (۳)
 کهر ایخوم که مونِ تا تو برونه گُلِ سُهر
 دلم ایچُ من تاریکی و سردی پیسنت (۴)
 گنی آستاره که زتِ داره نشونه گُلِ سُهر
 مو تیام اوری (۵) و دشت دلم تشنه هنی
 غیرخت دردمه هیشکی (۶) خو ندونه گُلِ سُهر

۱- رفتی ۲- اینجا

۳- اصطلاحی است که کندروی ام از پابرهنگی من است ۴- پوسید

۵- ابری است ۶- هیچکس

گل باوینه / ۲۳

مَنْدُمِه (۱) چی یه درختی تک و تِهنا کُجِنِه
کَوِگِ (۲) مستی که غزل سی مو بخونه گل شُهر

۱- ماندهام ۲- کبک

نالِ نال

تَش (۱) پَرَسْتُم تَشِ عَشَق تُو خدایِ دِلْمِه
 اَزَنی یا اِکْشِی عَشَق خَطایِ دِلْمِه
 تا بَجورُم (۲) بخدا حُونه (۳) عَشَقِت مِینِ دِل
 پاپْتی رَهْدُم (۴) و صد خار به پایِ دِلْمِه
 دِل مو دِرِدِه (۵) جوه چی گُل سُهْری (۶) زِ غَمِت
 نِیخورُم (۷) غصه که عَشَق تُو قَوایِ (۸) دِلْمِه
 بَعز (۹) تُو یاد تُو مَند (۱۰) و دِل و یه خرمن درد
 نالِ نالی که تُو اَشنی (۱۱) زِ صدایِ دِلْمِه

- ۱- آتش ۲- بجویم ۳- خانه ۴- رفتم
 ۵- پیراهن چاک کرده ۶- گل سرخ ۷- نمی خورم ۸- قبای
 ۹- بعد از تو ۱۰- مانده ۱۱- می شنوی

مرغ ئی دل به مین مرغ^(۱) تیا سوز تو رهد
سوزی دشت تیاته، که چرای دلمه

شَه پيسه

بُسْمه هر چي گُدم^(۱) ز عاشقی و لیوه گری
 سی تونه ئی همه حرفا که توخت^(۲) بی خوری
 هر چي شه پيسه^(۳) نوشتُم هَمینه وا بدِرُم^(۴)
 تو که وا بیت و غزل هم به دَلُم ره نی بری
 آسمونانِ ایخواستُم که به دیندا^(۵) تو پیام
 اِشکنادِن^(۶) پَرمو بس که بِم ایگن تتری^(۷)
 تش به کارتِ بگره^(۸) باغُمه سُحدی به تِشت^(۹)
 جُورِ فرهاد اَویدی^(۱۰) و بدستِ توری

-
- ۱- گفتم ۲- خودت ۳- سیاه مشق (شعر) ۴- پاره کنم
 ۵- بدنالت ۶- شکستند ۷- (ضعیفه پنداری نتوانستن)
 ۸- آتش به کارت بیفتد ۹- جوانیم را به آتش سوختی
 ۱۰- مانند فرهاد آمدی

تا کہ آسیدہ بِمَہنہ^(۱) دلِ دَر دینِ کَلو^(۲)
خَشہ مَن دِن بہ خَو و بی دلی و کور و کری

سوزم و سیره (۱)

گدن آیر بدونی (۲)

روی به زیر سوزم و سیره

ابوی گری (۳)

گلنار ایده به تو که خدای (۴) مال

دویدم (۵) دویست سال آزگار

وقتی رسیم (۶) او بالا

۱- بچه که بودیم می گفتند اگر دختران بدونند تا به زیر رنگین کمان برسند،

آرزو کنند پسر می شوند.

۲- گفتند اگر بدوی ۳- پسر می شوی

۴- کد خدا گلنار را به تو می دهد. ۵- دویده ام ۶- رسیده ام

آنه کشیم (۱)

نه سوژم و سیره به جامند، نه گلنار و کهخدا

۱- نفسی عمیق کشیدم (آه) (هناسه)

مشق پریشونی

آفتو عشق بُور^(۱) برف زمستونی مو
 خطِ بکش یا که بَدِر^(۲) مشقِ پریشونی مو
 خیز چی موج اوردارم و مه بی خوره^(۳)
 چه کنم نیگیره جا^(۴) ای دلِ طوفونی^(۵) مو
 جورِ پازن^(۶) دیه تاهی نگر و سَم مین گه^(۷)
 و سَن تیر بوارون به مین زونی^(۸) مو

۱- بیر ۲- پاره کن ۳- بی خبر است

۴- قرار ندارد، آرام نمی‌گیرد ۵- طوفانی من

۶- مانند بز کوهی یا میش کوهی ۷- به کوه نگریم

۸- باران تیر بیاران به زانوانم

یا به بادُم اَدی و نیست اِبوهُم ز غمِیت
یا وَنی صد گُله یِ تَش به مِین جُونی ^(۱) مو
اَمرو و صُحُو مَکَن سِیرِ دِلَم از همه کس
دی بیو ای اجل مست به مهمونی مو
گوگُم و عشق دَفک خَوَن بُریده ز تیام ^(۲)
هَمِس ^(۳) از غربت و دریده ئی غزلخونی مو

۱- جوانی من ۲- کبک هستم که به عشق دفک می آیم. (تله)

۳- تمامش

بُغْضِ كِي مَند

رَهْدِي ^(۱) وای دل شَوَزِيدَه ^(۲) مَو تِهِنَا مَند
 رَهْدِي و دَسْت تَكُون دَادِي و زِيدِي لَو خَندُ
 رَهْدِي و رِي دَل تِهِنَام ^(۳) نَشِستَه چِي بَرَف
 غَمِي وَا زَرْدَه و وَا كَوَه شُتْرُكِه ^(۴) هُمچَند
 بَرِدِ بَد عَهْدِي تَو بَعزِيَه عَمَرِي بِي دُنْگ ^(۵)
 اِشْكِنَادِه مِین تِشْنِيم ^(۶) يَه بَغْضِي كِي مِند ^(۷)
 زَهْر مَارْم بُوَهه او ذَرَه شَكْر خَندِ دُرُو
 بَه دَل او رُو ز غَزَل خُونْدِي و آو كِرْدِي قَند

-
- ۱- رفتی ۲- شب زده ۳- تنهیم ۴- زردکوه و اشترانکوه
 ۵- آرام ۶- در گلویم شکانده ۷- بغضی کهنه

دلِ وَرَدین^(۱) که اِگو دُیرمه و رَهْد گله
بیخودی بی همه عمری که مونِ دادِن پند^(۲)

۱- بگذارید، رها کنید

۲- پند به گرگ دادند گفت رهایم کنید گله رفت. (اشاره به تمثیل)

تی کال (۱)

پگه (۲) مسافرَم
 ری به ولات (۳) افتو و بارون
 وا حورجی شهر (۴)
 پوزارم (۵) از نسیم و دلم تنگ مال کنون
 تی کال!
 گوگون (۶) در آموتین

-
- ۱- چشم قهوه‌ای
 ۲- پگاه (پیه) ۳- سرزمین
 ۴- خورجین سرخ اصطلاحی است (خوش ظاهر و میان تهی)
 ۵- پوزار - پای افزارم نسیم و دلم تنگ کوچ
 ۶- هم کبک دری، هم کبک کوهستان را گویند.

هی چینه سون بریز
 ویر ویره هم^(۱) مکن که نپاهم^(۲)
 امروز که لال و غریوم
 صو^(۳)

گوشت بوئه که ایخونین
 گوگون در ز زون موسی تو بلال بلال
 پگه مسافرُم
 نه او اریزه به دیندایِ مو کسی ...
 تی کال!

دوئم که نیهنت^(۴) بدونی پس سَرُم
 دوئم تیات مندیره^(۵) تا بیا هم ز ره
 یوهم بسه

۱- فکر بد، آشفته خیالی ۲- نمی آیم ۳- فردا
 ۴- نمی گذارند ۵- چشمانت منتظرند

دَنگِ اول

او گُنه‌کار اول حضرت آدَم گُجِنِه^(۱)
 هو که وَندِه گُنهس گردِن گندُم گُجِنِه
 اِخوم امشو دو کَلوم حرفِ حَساوس بزَنم
 سِری امشو مِینِ او کهنه کتاوس بزَنم
 قَوْلِ حَافِظ گُدِنِی^(۲) روضه رضوان، فُروخْد^(۳)
 تَشِی وُرکِرْد^(۴) وِزِ او باغِ بهشتی هو گُروخْد^(۵)
 بَشَرِ آمُخت ز قابیل که گووسِه^(۶) بکُشِه
 کِی به گردِنِ اِیگرِه^(۷) تابگوِهه دووم تُرُشه^(۸)

۱- کجاست ۲- به قول حافظ ۳- فروخت ۴- آتش برکرد

۵- گریخت ۶- برادرش ۷- می‌گیرد

۸- اصطلاحی است کسی که بگوید دوغم ترش است.

دَنگ (۱) اول زِ خُسُون (۲) بی که زمینی اَویدِن (۳)
 آسَمون هِشْتِن و لِپِشی (۴) که ایبِنی اَویدِن
 خوشی زی بی به زیر تِلّه حوّا اوزَمون (۵)
 مست اوی بی (۶) که نها (۷) حُوشه زردی به دُهون (۸)
 هو کَلّه اولی نِ مین سرِ آدَم تَپنید (۹)
 تَش گِرِهده (۱۰) هموروز هومنی چِفدِر ایچید (۱۱)
 آرموئِم زیرِ سرِ زینه بی او نقشه شِیم (۱۲)
 هَمو پَل کَنده پَرزیده بی خیر و شِکیم (۱۳)

□

خَو پَلا کِرْدَمه (۱۴) او زینه گنهار نبید
 یوهوس بی هوسی شیم که اوسار نبید (۱۵)
 ئی همه زیرِ سرِ او گِب (۱۶) بالا سَرِیه
 نه گنه آدَم و ابلیس، نه جن و پَرِیه
 تا زمین وارگه (۱۷) آدَم بیچاره اَوید

-
- ۱- ادا، بازی ۲- خودشان ۳- شدند ۴- بد، پست
 ۵- خوشی مفرط زیر شکم هوا زده بود. ۶- شده بود ۷- نهاد
 ۸- دهان ۹- فشرد ۱۰- آتش گرفته.
 ۱۱- انگار آن روز و یار داشت.
 ۱۲- زیر سر زن (حضرت حوا) بود آن نقشه شوم.
 ۱۳- آن گیسو بریده و پریده بد شگون ۱۴- هذیان گفته ام
 ۱۵- هوسی شوم و افسار گسیخته ۱۶- آن بزرگ بالا سر (خدا)
 ۱۷- بارگاه - محل علم کردن سیاه چادر

آسمونانِ زدیِر^(۱) و مِن طیاره اِدید
 دِیْتُم^(۲) گردنت ای تیرِ اجلِ خَرده لیش
 سی چه دادی تو به ابلیس حَرْم قیچی و ریش
 به گَدِت کارد روا گَند بزیدی به دِلِت^(۳)
 تیرِ کوهمیرِ گگو مُرده زنا زِیرِ چِلِت^(۴)
 به هَچَل وَندیه^(۵) ایمانِ وُخْت بی خَوَری^(۶)
 تو به حق دِلْمون هیچ نِکردی پدِری

۱- از دور ۲- دین ما بر گردنت (حضرت آدم)

۳- شکمت پاره شود الهی به خواسته دل کوک می زدی (مهار کردی).

۴- نفرینی است (تیر مرگ کوهی (مرگ حریص و برادر مرده) زیر بغلت
بزند).

۵- انداخته ای مارا. ۶- بی خبری

بُرگ چَوگ

مونو تو دورگل^(۱) شاد بهاریم
همیشه سوز^(۲) و همزاد بهاریم
گلیم و عاشقی شوئم پرستیم
یه پالِه^(۳) نور آفتو^(۴) خَرده^(۵) مستیم

۱- دختران ۲- سبز ۳- یک پیاله ۴- آفتاب ۵- خورده

مو بالشتم پُر آوازِ کوگه (۱)
 مو محراو نمازم بُرگِ چوگه (۲)
 آیر صُحوی کویر تشنه جوئم
 پسینون چن رکعت بارونِ اخونم
 ایسا ای دور گلِ سوز بُهارون
 گلِ آفتو اچینم سی پلاتون (۳)
 هزار آستاره ئی بند سیزنِ مو (۴)
 فلک نک زی دِلِس سی چیدنِ مو
 بُهونم (۵) بالِ او، تی دشتِ پینه
 دلم وا آفتو و مه هُمنشینه
 گِلالی (۶) شونِ گلّه (۷) نی بزَن تو
 دلم تنگه بزَن نی سی دلِ مِ
 ایما و اُشتر و نگه خورزِ ماریم (۸)
 به دشتِ شو ایما آستاره کاریم
 تشیم و کورنی بُو چاله هامون (۹)

۱- کبک ۲- ابروی کمانی است ۳- برای گیسوانتان

۴- زیور من است، بند سوزن رشته‌ای از مهره و سکه‌های نقره‌ای که از دو طرف سرآویزان است.

۵- سیاه چادرم کنار آب ۶- نامی برای مردان ۷- شبان

۸- ما و اشترانکوه خویشاوند هستیم.

۹- آتشیم و مجمر دلها مان خاموش نمی‌شود.

اَیْر بار ایکنیم گُل ھِد و ابا مون^(۱)
 خَش او روزی کہ دل ھُمسایِ گُل بی
 دل و جونِ ھمہ دَم پایِ گُل بی
 ایما تا ھِد^(۲) شقایق قبلہ مونہ
 دو بُرگی^(۳) چوگی عاشق قبلہ مونہ
 دِلامون ھی بہ دریا میل دارہ
 وُلاتِ^(۴) سینہ ھامون ھی بُھارہ
 زِ زیرِ اور پَلِ اَفْتَوِ اَز ھَنہ^(۵)
 زِ حَرَسایِ ایما سِیلو اَکھنہ^(۶)
 چراغِ حونہ مونِ گِر سوزِ عشقہ
 اَیْر بارون بیا ھہ روزِ عشقہ

۱- ہنگام کوچ گل (استعارہ از محبوب) ہمراہ ماست.

۲- تا هست، تا زندہ اہم ۳- ابروی مقوس کمانی ۴- سرزمین

۵- از زیر ابر گیسو خوردشید رخ می تاہد.

۶- از اشکھای ما سیلاب جاری می شود.

چَمَت

او به ریمون بز نیم تا که بپهره خومون^(۱)
 آسمونانِ بپاهیم، بدرا افتومون
 تو حکیمی کنی آرسی دل دردین^(۲) چه ابو
 دو تک عناو بدیمون، بنشینه تومون^(۳)
 ای باواجد مو زرتشت چَمَت^(۴) سپم بفرشن!
 نهلی^(۵) ای دل که بریسه مین چاله اومون^(۶)

۱- خواب از سرمان بپرد. ۲- دردمند

۳- دو تکه عناب به ما بدهی تا تبمان فروکش کند. ۴- مشعل

۵- نگذاری

۶- آتسمان خاموش شود. آب به چاله ریختن (آتشدان) در فرهنگ

بختیاری کنایه از بی لیاقتی.

چی که کوگیم و خَش آواز خَوَاخَو (۱) بِرِوِیم
 ار بنیم روزی بدوزن ای کَلایِل (۲) کَوِیون
 گُه عشقیم و زَنو کاشکی فرهادی دیه
 تیشه مین دست بیاِهه که بِشِیوه (۳) خَوِیون
 ری به آستاره ییو پن (۴) درِیِان بگُشیم
 تا که وا تیغِش (۵) افتو بگُروسه (۶) شَوِیون

-
- ۱- حال که کبکیم خوابمان به خواب مرگ بییوندد.
 ۲- کلاغها
 ۳- تیشه در دست بیاید که بیاشوبد خوابمان را.
 ۴- پنجره‌ها را باز کنیم.
 ۵- اشعه آفتاب
 ۶- بگریزد شبمان

دو بیتى

به ایما تش نژادون او مپاشین
 به ئی دردینه لاشون^(۱) تو^(۲) مپاشین
 ایسا^(۳) ای طافه بی مرۆت شو
 مین دشت تیامون خو^(۴) مپاشین

به تشنی دی بلالی تو ایاهم^(۵)
 به گهسار و پنهت^(۶) آهو ایاهم

۱- دردمند ۲- تب ۳- شما

۴- در دشت چشمانمان خواب.

۵- در گلویم ترانه دی بلال تازه، می آیم. ۶- پناهت

بَدِیم آر مُشْتَلِقْ (۱)، سی دَارِ زَرْدِتْ (۲)
پُر سَوَزِیْنَه و وَاژو (۳) اِیَاهُم

-
- ۱- اگر مزدگانی بدهی ۲- برای درخت خزان زده‌ات
۳- با خبری از سرسبزی و رویش دوباره می‌آیم.

برای عروسکم گلنار

روز و شوت خیر، بهی بازرنک^(۱)
 چندیه «گلنار» سواایم ز یک
 جای تو بی تنگی بغل، یادته
 گوشت آید گیز^(۲) متل، یادته
 سی تو ایخوندُم لالا، لالا، لالا
 تابوت^(۳) از شهر متلها بیا
 هی ایگریوستی و گُسنه ت نَید^(۴)
 اوبت ایدادم توحُ تشنه ت نَید^(۵)

۱- عروسک رقاص ۲- گیج ۳- تا پدرت

۴- گریه می کردی و گرسنه نبودی.

۵- به تو آب می دادم ولی تشنه نبودی.

شیر ایدادُم تونِ گپ نی بیدی (۱)
 یا نه چی دورگلُ به غم شی بیدی (۲)
 شو که ایبی دست مو تپ تپ گنون
 تا نبرنت ز حُمون بهتروُن
 واتو آیر رازی ایخواستُم بگُم
 واسکی چی مُشکی رُوم خپ گنم (۳)
 تا بوم و دام نبینِ یه وخت
 سی تو ایکردُم لکِ مینامه رخت (۴)
 سی تو ننو بستُم جمنیدُمیت
 تُرنه طلا! سی گر شاه نیدُمیت (۵)
 دام ز دُرو گُهد بهشت حوتیه (۶)
 اوریشمه زلفی که پَس شوته (۷)
 خو و لله ای بیڈم و غمخوارِ تو
 تا نه که بچیل (۸) بدن آزارِ تو
 تا جغله یل ندُزن قاپته

- ۱- بزرگ نمی شدی
- ۲- مثل دختران هم غم شوهر کردن و بلوغ نداشتی.
- ۳- می بایست مانند موش گوشه ای کز کنم.
- ۴- گوشه روسریم را دزدکی برایت لباس می کردم.
- ۵- گیسو طلا! تو را به پسر شاه هم نمی دهم.
- ۶- مادرم به دروغ می گفت که خانه تو در بهشت است.
- ۷- زلف روی شانه ریخته ات ابریشم است. ۸- بچه ها

بَر د ای شُنْدَم (۱) ایگْدُم کُر چِخِه
 پُرز تو بید او دل صاف و کوچیر
 کی چینو کرده دِلْمِه از تو دیر
 واتو مو از شَوْنَم صُحو پاکتر
 بی تو مو و مَرْدَم ای دِه به جُر
 دوش پگه جارِ تو کردم بییار (۲)
 واخوم اَویدُم نَبیدت وا دیار (۳)
 گَهپ اَویدُم (۴) تونِ وَنِدِنِ به تَش
 هم تو بلا (۵) بیدی و هم روز خَوش

۱- سنگ می انداختم ۲- بیدار

۳- به خود آمدم و تو را نیافتم. ۴- بزرگ شدم

۵- گم شدی

لچک ریالی

تَکِستِه^(۱)، زرد و پریشون
 هَمو لَچک ریالی دوشی^(۲)
 اَویدَه زمستون تِرَنه هاس^(۳)
 کلا پَنگه کشیده^(۴) به آواز مَشکِ دووس^(۵)

۱- تکیده

۲- لچک (کلاه سوزن دوزی شده و مُزین به سکه‌های نقره‌ای) زن جوان
 دیروز.

۳- زمستان موهایش آمده (برف پیری). ۴- کلاغ پنجه کشیده

۵- مشک دوغش

خوسیده^(۱) عشق به تاپوی ویر هو^(۲)
دی^(۳) هیچ هیچ نمنده به تی هاس^(۴) غیر حرس...

۳- دیگر

۱- خوابیده ۲- در انبار یادش فراموش شده.

۴- به چشمانش نمانده چیزی به جز اشک.

زَنِشْت

وَاَنْتُمْ (۱) وَاَمِ بْتُرْكَ (۲) تا بگروسیم (۳) سحر
 پیش که تیغیش (۴) آفتو بکنه مالِ خَوْر
 چَوْتِه (۵) سی مو بیارن دلِ دَرْدینِ به تَنگ
 گِر زَنون (۶) جوئمه ایخوی سیچه هی ایگشی جَر

-
- ۱- با تو هستم. ۲- قدم رنجه کن. ۳- بگریزیم
 ۴- اشعه (نیش خورشید) ۵- خبر مرگت را
 ۶- پای انداز، هدیه‌ای که عروس در اولین قدم ورود به خانه شوهر
 می‌گیرد.

هم زینستی^(۱) و تشی، دردی، ندوئم تو چنی
 که ز صد آتَشک وَسته^(۲) به جونې تو بتر
 قول طاهر گُدنی^(۳) خنجِرِ فولادِ زَنم
 به تیا تا دل لیوه بوهه آزاد ز شر^(۴)
 سی چنوم بیدیه^(۵) ای دُل دِل، کُهگرد و کَلو^(۶)
 کاشکی دی تو دراهی زِمین سینه به دَر

۱- التهاب ۲- افتاده

۳- به قول بابا طاهر (بسازم خنجری نیش زپولاد)

۴- تا دل دیوانه از شر برهد (زنم بر دیده تا دل گردد آزاد)

۵- به چه کارم می آمدی. ۶- دل دیوانه کوهگرد سرکش

گل آرمون^(۱)

گُلِ آرمونم اَمشو بدرا که نُوبهاره
 که تیامو آورلون^(۲) ز غمِت گریوه^(۳) داره
 همه شو به ای خیالم که صَو ز ره بیاھی
 دل! ایا هه اسب اما، نه، منی گرتِ سواره^(۴)
 نترم که زنده بوهم مین سرما و غم شو
 کجینه آفتو عشقم؟ کجینه که بی دیاره
 ایچ همدرنگم حرسه^(۵) همه پاییزی وارم^(۶)
 کجه او خنده سوزت که بُهارِ سیم بیاره

۱- گل آرزو ۲- ابر آلود است. ۳- گریه

۴- مثل اینکه غبار سوار است.

۵- اینجا هم صحبتیم اشک است. ۶- وارگه منزلگاه

دل لیوه کَوِگِتْ اَمَشو سِیچِه هی خروس ایخونه^(۱)
همه ویرتو شکالِه^(۲) همه هَوَلِ هو فراره

۱- کبکت خروس می خواند اصطلاح است (کنایه از شادی فراوان)

۲- فکر تو به شکار است.

دلتنگی

خینتیه سی باد سُهر ایخون همه^(۱)
 درد بدعهدی گسونا مَر کِمه
 پشت سر، پای لیش^(۲) و نامرد ایبوهن
 پیش ری وا دَر دت هُمدرد ایبوهِن^(۳)
 دی دلم سیره زئی دنگ و مرام
 وُر مو^(۴) ای لوخنده مَر دَم حرام
 ایونن آستاره بخت به لم^(۵)
 سی شوت فانوس نی یارن یه دم

۱- اصطلاحی است - بد خواستن برای دیگران

۲- همه بد و پست می شوند. ۳- می شوند ۴- بر من

۵- ستاره بخت را پایین می اندازند.

ایخون ای تاپون^(۱) از برکت پتی^(۲)
 تا بنن^(۳) سی نونِ جَوِبِتِ مِنتی
 ایکنن باغِت حواله وا خزون
 تالک داریت نبوهه سر گرون^(۴)
 برد بارون ایکنن هی لورنیه
 ایکنن زخمی همیشه شورنیه
 باد ایگون^(۵) تا نگرده ری زمین
 تا نیفته سیو سُهری مین گِلین^(۶)
 ایچ کوگه^(۷) لال و پَر بسته ایخون
 سی قفس کی قُلفِ اشکسته ایخون
 خاکِ نُفرین ایکنن گندم نده
 ایخوهین کس ای نونِ جُم نده
 زنده ئی زندونِ مو ای جُرم شر
 ای که امروزت ز دیروزت بتر

۱- انبار آرد از جنس گل. ۲- خالی ۳- بگذارند

۴- تا شاخهات از میوه سر سنگین نشود ۵- به باد می گویند

۶- تا سیب سرخی به دامانی نیفتد ۷- اینجا کبک را

می نا بنوش

تیام^(۱)!

مِجالت بخیر! می نا بنوش^(۲)

تُرِنِه طِلا

وا سَلَّه‌ای^(۳) بدسِتیت و تَهنا

به چیدِن آستاره ایروی^(۴)

وَرگَشِتِنی

به شوگرِه‌ده ایبال^(۵)

سربکش^(۶)

۱- چشمانم! ۲- روسری بلند محلی زنان بختیاری (بنفش) وقتت بخیر.

۳- سبدی ۴- می روی ۵- شب گرفته این سو ۶- سر بزن

صدای ایل

تقدیم به مسعود بختیاری (علاءالدین)

عمری بلنډه ز جونٽ صدای ایل
 ای مندگارتر از هر پپای ایل
 هر صُحو و شُم تونِ آر کافری نبو
 زونی زنون ایپرستین، خدای ایل
 فریاد کن غم ایلم، بخون! بخون
 بازم ز بختِ به شو مبتلای ایل
 ای عشق مردم زخمی برآفتوت
 هی جار^(۱) کن که صداتِه دوا ی ایل

۱- فریاد امداد خواهی

خینه هنی دل ایلم ز روزگار
 آستاره صحو تو ترکن تیای ایل^(۱)
 نیگم که کوگ غزلخون عاشقی
 تیشنی^(۲) تو ساز بهاره صدای ایل

۱- ستاره صبح، تو چشمان ایل را بگریان. ۲- گلوی

زون عاشقونه

تو که شون به شون آفتوزِ دلِ سحرایاهی (۱)
 شو ایبو و مست ایخوسی (۲) به دلِ پِلِ (۳) سیاهی
 تو که دی بلال، ایخوندی، به کمیئم اینشستی
 دلِ دَر دینمه (۴) آخر نخردی به یه شاهی
 نه به زونِ عاشقونه، نه به شعرم ایبری ره
 نه به مذهب گشونیم نه به دینم اپدراهی (۵)
 همه چیمه کِرده غارت اوتیایِ مستِ خینت (۶)
 نه بدست گرز و خنجر، نه که اُردی (۷) و سپاهی
 سی دلِ همیشه تنگم تو بلال بلالِ سر کن

۱- می آبی ۲- شب می شود و مست می خوابی.

۳- گیسوی سیاهی ۴- دردمندم را

۵- به دینم در می آبی ۶- چشمان مست خونت ۷- اردو، لشکر

شورته هنی (۱) ایبیتُم سی گریوه هام (۲) پناهی
 موزمار آویم (۳) ز دریا او زلال گهپ و آوی (۴)
 ایگشی مون به حُشکی لَو تشنه جورِ ماهی

۱- هنوز ۲- گریه هایم ۳- زاده شدم ۴- بزرگ و آبی

پِلِ افْتو

کیش سُهری^(۱) مینِ دُست
 مایونِ زینِ اِگنی^(۲)
 پِرِ باوینِه^(۳) مپات
 ار بېشِنَنِ نَفِستِ دُورگَلِ مال^(۴)
 همه وا آینه و دینشت^(۵) اِیاهِنِ به نِیات
 چه بُهاری اِبوِهه

۱- روسری چهارگوشه قرمز ابریشمی که روی سر عروس می‌اندازند (نماد خوشبختی).

۲- مادیان زین می‌کنی، مظهر زایش است. ۳- بابونه موهایت است.

۴- اگر دختران ایل بوی نفست را بشنوند

۵- اسپند، با آینه و اسپند به استقبال می‌آیند.

جُوهُ دشتِ بنوش (۱)

پَلِ اَفْتُو چه شلال (۲)

تو اِیاهی ز سفر

که دلِ کَرده اسیر

رنگِ شوگارِ تیات

دُهدَر مَه

تونی (۱) دایه (۲) به شوگارم (۳) چی افتو (۴)
 آیر که تو بوهی (۵) ایکنم تو (۶)
 تیات (۷) چن (۸) آسمون آستاره (۹) داره
 تموم عمر مو واتو بباره
 چراغ خونمی ای دُهدَر (۱۰) مه
 بگر (۱۱) دستم نیفتم تا مین چه
 تو بعر (۱۲) حق تعالی چی خدامی (۱۳)
 تموم هستی و عمر و چیامی

-
- ۱- تو هستی ۲- مادر ۳- شبهایم ۴- مانند آفتاب
 ۵- نباشی ۶- تب می‌کنم ۷- چشمانت ۸- به اندازه ۹- ستاره
 ۱۰- دختر ماه ۱۱- بگیر ۱۲- بعد از ۱۳- مانند خدای منی

تو تهنّا^(۱) یارُمی مِنْ درد و مشکل
 تونی بارون به دشتِ تشنهٔ دل
 تونی آهویِ دشتِ شُرمِ ای دا
 تونی وا افتو و آستارهٔ هُمسا^(۲)
 دل و جونت همیشه زنده بوهِه
 گُلِ باغِ لوتِ پُر خنده بوهِه^(۳)

۱- تنها ۲- همسایه ۳- باشد

هَلْفُ (۱)

وامو وُرې ای شیر تو پوزارته (۲) وُرکش
 تالپ (۳) به رگامون بزَنه خین سیاوش
 ای خرمن وُرداشته از ملک باوامون
 دی فرق چه داره بُورن یا بزَنن تش
 دی خو بَسه گوگون به سیخ ایزنن ایچ
 صحرای ایمان یو که واییده دَفک زار (۴)
 ای گر تو نِهیوم (۵) بکن اشکسْتِمه مین خوم
 هُف کن مین گرنا و بکن ایلنه بیدار
 عمری ایزنن برد به دار و پر ایما
 ای بی خورون از غم و شور و شر ایما

۱- بی تابی عطشناکی. ۲- پای افزارت را (کفشهایت را)

۳- موج بزند، لبالب شود ۴- دام کبک (دیجومه) ۵- نهییم کن

نیخوم دیه ایچ ای نفس زیدین بی جا
 آسیده که نیهلین^(۱) مین خاکم سر ایما
 وامو وری ای شیر تو پوزارته ورکش
 تالپ به رگامون بزنه خین سیاوش
 مرنه مونو تو زاده گهسار و بلیطیم
 حتی یه بدس^(۲) خاکینه وا عالمی نیدیم
 هلهف ح ای زیدیم که سحدیم و کویره
 وسته به سرامون سی چه ئی سایه سر شیم
 هر چی که ایاهه به سرامون ز خمونه
 ای داد ای هی جار^(۳) ایرکس نرسونه
 آر باد بره خرمن و رداشته مون
 دی سی چه ایخویم ای دل و تیهان^(۴) و جون
 ای شیر گدی گردنم^(۵)! از پا ننشینم
 وا داسینه و ردارم و سرزان^(۶) بچینم
 تا شهنش^(۷) اسبت خوئی مال بشیوه^(۸)
 ای کهنه سوارم هنی تی رَهت^(۹) اینشینم
 وامو وری ای شیر تو پوزارته ورکش
 تالپ به رگامون بزنه خین سیاوش

- ۱- نمی گذارند ۲- به دست (وجب) ۳- فریاد ۴- چشمها را
 ۵- قسمی است (به گردنم) ۶- علف هرزه ها ۷- شیوه
 ۸- بیاشوبد ۹- هنوز چشم براهت

آر بیدی

آر کموتر^(۱) بیدی ای دل په سیچه پر نگشیدی^(۲)
 به لکی گرم جوه روشن آفتو^(۳) نرسیدی
 هی گدی اورم^(۴) ورې سجده^(۵) زمین نرم ایبارم
 زندهئی کردپه عمری سی همو کوره امیدی
 شومه^(۶) عشق اوید^(۷) ای دل خو برده و منده^(۸)
 دست سی چیدن آستاره تو حتی نگشیدی
 آراکشتی^(۹) سر شو دونه به صحرای دل، اما
 داس ایبیدی^(۱۰) سحر و خرمن یکجا خت ایچیدی

۱- کبوتر ۲- برای چه پر نگشودی

۳- به گوشه پیراهن گرم آفتاب ۴- ابر هستم

۵- زمین سوخته (کویر) ۶- مهتاب ۷- آمد ۸- خسته

۹- اگر کاشتی ۱۰- می شدی

دَم ایزیدی^(۱) که تو آزادی و سروی و بلندی
باد اُوید و لکیت اوشند^(۲) چی یه شاخه بیدی

۱- لاف می زدی

۲- باد وزید و شاخه‌هایت را لرزاند.

آسمون جُل

آسمون جُل، خومِ تَک، مَندِه^(۱) و بی پَر
 پیترِ سته^(۲) مین پَر شوقِ کموتر
 آخدا! سی چیتن بَچیلِ اَدَم^(۳)
 چه ایجوره^(۴) زِ موئی گنبدِ بی در
 نه که همدنگِ مونن^(۵) زَنگَلِ ئی مال^(۶)
 ئی زنونِ زکِ تِی دَردهٔ بیلر^(۷)

۱- درمانده و خودم تنها ۲- پوسیده

۳- به چه کارت می آیند فرزندان آدم ۴- می جوید

۵- همصحبتیم هستند ۶- زنان این قبیله

۷- این زنان بی حیای بی چشم و روی خودسر

خُووِه دې لَقِ بَگِری زوِنِ غَزَلخون (۱)
سُهرِ تَش (۲)! وَرِیله گُهَشِستِه پُر شر

۱- خوبست دود بگیری زبان غزلخوان.

۲- سرخ آتشین، بی مهار افسار گسیخته

تی به ره

همه حرفای سوزس^(۱) دلنشینه
 هو بالاییه کی اهل زمینه
 خدادونه تو ای گل سو تیامی^(۲)
 تیام غیراخته^(۳) هرگز نیینه
 دو دست سرد و تهنای^(۴) دل مو
 هوس کرده ز باغت گل بچینه
 تیامو^(۵) آو در آورد جور^(۶) چشمه
 دلم تنگه سی تو ای عطر پینه^(۷)

-
- ۱- سبزش ۲- نور چشمانم هستی ۳- غیر از خودت را
 ۴- تنها ۵- چشمانم آب درآورد ۶- همچون (مانند)
 ۷- پونه

همه فهمینه دې^(۱) دردِ دلِ مو
 بسی که بردته^(۲) زیدم^(۳) به سینه
 ز احوالت ممیرا تا خور^(۴) بو
 همیشه تی به ره^(۵) باد اینشینه

۱- دیگر ۲- سنگت را (سنگ ترا) ۳- زدم ۴- خبر
 ۵- چشم به راه

شار شیوسته

گهر!
زخمی،
آو شنده^(۱) یال، بیشه پتی
ایل،
شیوسته شار^(۲)،
زمین، زمین
شلگنیده ز آرسای ماپری^(۳)

۱- افشانده، پریشان
۲- سرگردان
۳- گل شل شده از اشکهای ماه پری، مادر ایل.

شوگار تیات

مبتلائیَم مو به شوگار^(۱) تیات
 عاشق دردم و بیمار تیات
 بس که دیندایِ تو دَوْنیده دلم^(۲)
 مین پای دلمه خار تیات
 همه آبادی و شهر وا خورن
 که منم زخمی ناکار تیات
 چیدم و دادمه مین دستِ دلم
 گل عشقی موز گلزار تیات
 خونمه کرد خراو و مون گشت
 همسو که وی^(۳) به سر آوار تیات

مُنَه وَرَد

دُوارِه تَش بِجُونَم زِي خِيَالِت
 همه هر چی غزل دارم حلالِت
 به حال خم مُنَه وَرَد^(۱) و ديه رَو
 ز جُونَم چه اِخو دِي چشم کَالِت
 تو و امو شوقِ پَرزِيدِن اِيکِرْدِي
 به بردِي^(۲) اشکِنادِن^(۳) پَر و بَالِت
 مو هم چِي تو هَنِي تُو دَارِ^(۴) عَشْقُم
 به جُونَم تَش نِهَاد او^(۵) نَالِ نَالِت

۱- مرا به حال خودم وامگذار. ۲- سنگ ۳- شکنند

۴- تبار ۵- گذاشت

موہی چی رو بہ دیندات^(۱) ایبرم رَہ
تو چی دریای عشقی خش^(۲) بہ حالت

بَنگ

بِنیر^(۱) به مال و مردم که دیه^(۲) صفا نمنده^(۳)
 که به حونه دلاسون^(۴) بخدا بقا نمنده
 همسون^(۵) فرنگ رَهده^(۶) همسون به شهر اویده^(۷)
 عَجْوَم^(۸) که زو قدیمون دیه جای پا نمنده
 چه بگم ز او «خدابس» وز عشق «عَبْدِه مَحْمَد»^(۹)
 که سی عشق یار مردن به دلا هوا نمنده

-
- ۱- نگاه کن - بنگر ۲- دیگر ۳- نمانده ۴- دلهايشان
 ۵- همه شان (همه آنها) ۶- رفته ۷- آمده
 ۸- در شگفتم (عجبم) ۹- اسطوره‌های عشق ایللیاتی

گوویل^(۱) به شیرِ داتونِ ابوهپن^(۲) شاد و پشیمون
 که به شهر و دپرِ زمالا^(۳) دیه آشنا نمنده
 موچنو^(۴) بنگ^(۵) وُرآرم^(۶) که بیسنه^(۷) گوش دنیا
 که هنی^(۸) بفا و غیرت ز ایما^(۹) سوانمنده
 رگ بختیاری اما ازنه جوش «ممیرا»
 که سی زخم واز ایلم به خدا دوا نمنده

۱- برادران ۲- می شوید ۳- از آبادیها ۴- چنان ۵- آواز - صدا
 ۶- برآورم ۷- بشنوند ۸- هنوز ۹- ما

خَوخَوک (۱)

ای پیایی (۲) که وُلاَیْتِ (۳) مینِ (۴) کوه و کمره
دی وُرِی (۵) صُحُوَه (۶) مَوادا (۷) که تَوِنَه خَو (۸) بَوْرَه (۹)
مو آیر سَوَزُم و هُمسایِ (۱۰) صِنَوور، اما
هُمنشینم همه شو خَوخَوکِ صد تَوْرَه
پائی تَکسْتَه (۱۱) گُلِ آرْمونِ مو ای سَوَزِ بلند
ویدَه پاییز ولی باز دِلِت بی خَوْرَه (۱۲)
کاشکی آهِي (۱۳) رَم خَرْدَه (۱۴) دل فصل بُهار
یَلَه بوهِه به مینِ دَشْتِ تیا (۱۵) تو بَجْرَه

-
- ۱- کابوس ۲- مردی ۳- ولایت ۴- میان
۵- دیگر برخیز ۶- صبح است ۷- مبادا
۸- خواب ببرد ۹- ببرد ۱۰- همسایه
۱۱- تکیده تمام ۱۲- بی خبر است ۱۳- آهو
۱۴- رمیده ۱۵- چشمان تو

گُده بیدِن^(۱) به مو که گل به نمکزار مکار
 دل ندونست که ئی باغ همس بی ثمره
 موز مینگیرم وهی سیچِه^(۲) تقلا بکنم
 دلم ای داد که پا بسته و بی بال و پره
 یه تی^(۳) ار دوست دلس بو همه کارا ابوین^(۴)
 کی گُده^(۵) کفر گُده هر کی اگو دل نتره^(۶)

۱- گفته بودند ۲- برای چه

۴- می شوند

۳- (در اینجا عنایت با گوشه چشم) یک ذره

۵- کی گفته ۶- نمی تواند

عشق خُمون

یه چَن تا لیوه وُیه زینه بیلر^(۱)
 هوای عاشقی کردن مین سر
 هو لیلی که پیانه^(۲) لیوه ایگرد
 تنیر^(۳) عشقینه پُر هیوه^(۴) ایگرد
 زلیخا میره دار پِل بریده^(۵)
 نشینا مین رَهس کاشکی تریده^(۶)
 ز عشق یوسف او پیغمبر گُل
 چه دَنگایی^(۷) در آورد وُر سر گل

۱- دیوانه، و یک زن خودسر ۲- مرد را (مجنون)

۳- تنور ۴- هیمه ۵- شوهر دار گیسو بریده

۶- اصطلاح است (نفرین) تریده: چپاولگر ۷- بازی، ادا

یونو پای آبروی عشقه بُردن
 په سیچه دق نکِردن سی نَمردن
 وُری جونم ایچُ جای ایما نهد
 گلیم و خار هُمسای ایما نهد
 وُری که آسمون مالِ خُمونه
 ایر عشقه تیه کالِ خُمونه
 ایما من عشقمون لیوه گری نهد
 ایر عاشق اویدیم سرسری نهد
 مو نیخُم ایلمه بالا نِشوئُم
 خدا ماوینی آیا راست نیگُم
 بیاین قاضی کنین آمشو کله تون
 آیرنه عشق نی بَشخه گنه تون
 زلیخا که نهاد ئی آش و کاسه
 ایسا جامو نی بُریدین پَلاسه (۱)
 مو نیگُم عشق، عیوه عاشقی ننگ
 سَرُم زِی داستونها ایگنه بَنگ
 هونو آل بُرده یل پای جن به نُفتن (۲)
 کِتاواهم ز سون هی قصه گفتن
 مَیر (۳) ایسا (۴) اگوین (۵) لُر دل نداره
 اگوین لُر ز عاشقی سر نیدراره

۲- دیوانه‌اند

۱- شما جای من بودید گیسوانش را نمی‌بریدید

۳- مگر ۴- شما ۵- می‌گوئید

خَوَر از او «خدا بس» مَرندارین
 اگوین ای لُر روین کی بی قِرارین
 ایما^(۱) تش زاده ایم و هی بلازیم^(۲)
 ایما چی^(۳) اُشتر ونگه^(۴) سرفِرازیم
 لُر عاشق ایگو^(۵) مونرینگم
 «همه چیم قربونت غیرا تفنگم»

۱- ما ۲- فروزان می شویم ۳- مانند

۴- رشته کوهی موازی با زاگرس در شهرستان دورود واقع در لرستان.

۵- می گوید

واتو

وَا تَوْبِیْدِن (۱) سِی مَو چِی فَصِل بُهَارِه هَنی هَم (۲)
 سِی تَو دَل اِیْهَمه بِی صَوْر (۳) وَ قَرَارِه هَنی هَم
 شَو اِیْقُتَم مَو بَه وَ پِر (۴) تَو وَ تَو فَوْنِ تِیَات
 مِیْنِ دَلْ عَشَق تَو آسْتَارِه (۵) اِکَارِه هَنی هَم
 نَه! غَزَل سِی تَو چِه قَاوِل (۶) دَل وَ جَوْن پِیْش کِشِیْت
 اِدْمَت (۷) جَوْن بِخَدَا وَا یَه اِشَارِه هَنی هَم

-
- ۱- بودن ۲- هنوز هم ۳- بی صبر و طاقت ۴- یاد
 ۵- ستاره ۶- قابل ۷- به تو می دهم

کُهِ گِرِیْدُم (۱) سِی تُو و پِرس اِیْکُنم (۲) اِحوالِ
 گُدی (۳) شَو گِشْتِین موز عِشْق یارِه هَنی هم
 به موایْگن پِر خار و خِیس تِیْتُم (۴) رِه عِشْق
 موایْگم کوه و کمر وا تو هُواریِه (۵) هَنی هم
 مو که رسوای توْتُم باکِ چِه دارُم که بگن
 دُهدَر (۶) آبیْدِه (۷) کَلو (۸) عِقل (۹) ندارِه هَنی هم

۱- به کوه زدم، دیوانه شدم. کنایه از بی‌قراری.

۲- می‌کنم

۳- گفتی ۴- کوره راه ۵- همواره ۶- دختر ۷- شده

۸- دیوانه ۹- عقل

دردِ باواجِد

بو دهُونی ایکنن مردم ئی آبادی
 نه که یاریار بخونی بزنی فریادی
 و اگیره گپ بزنی، کیش نکنی بی خوری
 تو قفس حورته دی هیچ مگر ایرادی
 آرکه صد دُهدر شیرین بدِراهه مین مال
 وانبینی خو تیشه، نکنی فرهادی
 روز جنگ هیچ گگویی پس شونت دیه نهد
 نه که هی جار گنی یا بخوهی امدادی
 موخ دونم که تو پا بسته ای ای سوز بلند
 ختیه بی عاری بزنی، ساز بکن آزادی

تا که ئی زخمِ پس گُردَه مو تُو بگره
واکه از پار و زپیرار نیازم یادی
تا بدوئم سرگه پاپتی و منده بو
عَلَمِ دردِ باواجِدِ بدستُم دادی

کُو و بِلند

قَدک به گُردِه گِرِهده (۱)

کُو و بِلند (۲)

همبون تِنگ سُرپ (۳)

ماسسته مه به دُهورنس (۴)

سرتاتکی اِدِن آستاره‌های زل (۵)

آمَشو که وستِه (۶) به پت پت چراغ مو

-
- ۱- قبایی آبی رنگ (قدک) به دوش گرفته ۲- کبود بلند (آسمان)
 ۳- همیان پُر سرب ۴- مایه بسته (ماسیده) ماه در دهانش
 ۵- سرک می‌کشند موزیانه ستاره‌های روشن ۶- افتاده

خپ کړدنه به زیر پوشن شو (۱)
نون کور و من سر سوډه (۲)

۱- زیر رختخواب شب خزیده اند

۲- اصطلاح هستند. خسیس و بی کرامت، آدم توی سرسوخته حاضر

است کله اش بسوزد و کلاهش نسوزد.

افتو عشق

به چنگ شو اسیرم افتو^(۱) عشق
 بیو نهلم^(۲) بمیرم افتو عشق
 تشم^(۳) سی سحدن^(۴) صد خرمین درد
 بگ تا مو بگیرم^(۵) افتو عشق
 فلک نیله^(۶) که مو وا تو بمهمن^(۷)
 مو چی مه از تو دیرم افتو عشق
 آیر^(۸) دارم هوای پر گشیدن
 قفس دارم مو گیرم افتو عشق

۱- آفتاب ۲- نگذار ۳- آتشم ۴- سوختن

۵- در بگیرم، شعله ور شوم ۶- نمی گذارد ۷- بمانم ۸- مانند

مو جوئم تشنہ ی بارونِ عشقہ
 بکن زی^(۱) چشمہ سیرم افتو عشق
 پسینون بی کہ وردادیم^(۲) بہ کھسار
 غمیت نیرہ^(۳) ز ویرم^(۴) افتو عشق
 ممیرا چی کویر شو گرہدہ^(۵)
 بوارون اور تیرم افتو عشق

۱- از این ۲- مرا جا گذاشتی ۳- نمی رود

۴- یادم خاطر م ۵- مانند کویری شب گرفته است

بایم (۱) کال

ایخوم (۲) ای گُلِ بَگِرمِ پر بنشینم کِلِ مالِت (۳)
 بی خَوْرَ مَنْدَمَه (۴) چندی ز تو و روزت و حالِت
 اینیرم به تیات (۵) ای همه جون تو بُهارون
 تا بتینی (۶) به گِلینِ دَلَمِ او بایم کالِت (۷)
 تی تیاخت (۸) مو بیدم وایه دل آینه تَواری
 او دل سادَه عاشق که ز دست رَهْدِ حلالِت

۱- بادام ۲- می خواهم ۳- کنار خانہ تو

۴- بی خبر مانده ام ۵- به چشمانت می نگرم ۶- بتکانی

۷- به دامان دلم بادام کالت را ۸- پیش چشمان خودت

سحر و بُنگ تیات و دو رکعت عشقِ پتی هد^(۱)
دس نُمازی بِگِرم وا تُکی^(۲) زو چشمه زلالت

۱- بانگ اذان چشمانت و دو رکعت عشق خالصانه است. ۲- قطره‌ای

که گریدم

مو غزل سی تو اِگُم^(۱) سی دل یاری که تونی
 گل اِدم^(۲) واتو همو فصل بُهاری که تونی
 دُم تَنیده^(۳) دُلم عمری به هوا دیدن او
 آهی زخم^(۴) دل پا به فراری که تونی
 زخم دارم، دیه ئی^(۵) مَلْهَم^(۶) و داری^(۷) بَسْمَه
 مو ابوم^(۸) زنده به او حکمت داری که تونی

- ۱- می گویم ۲- می دهم ۳- بافته ۴- آهوی زخمی گریزپایی...
 ۵- دیگر این ۶- مرهم ۷- دارو ۸- می شوم

کُه گریڈم (۱) دیه بی تو یه دَمون (۲) جانیگرم (۳)
 رُم اِبوهُم به همو (۴) جا و قراری که تونی
 منده یِم صَور بُکن محض خدا قاتل، اِخوم
 بِنشِیُم یه دمون سایه او داری (۵) که تونی

-
- ۱- کنایه از جنون و عاشقی ۲- یک لحظه ۳- آرام و قرار ندارم
 ۴- رام می شوم به همان آرامشی... ۵- درخت

مهره مار

به بُرد^(۱) و دَرَدِ بَالْمِ اِشْكِنَادِن^(۲)
 چَطَوَتِي تُو^(۳) بِيَاهُم پَر نَدَاژَم
 ز بَرَقِ اَوْتِيَايِ^(۴) تَش^(۵) پَر سِتِيت
 چُنُو^(۶) مُسْحَدُم^(۷) كِه خَاكَشْتَر^(۸) نَدَاژَم
 دَل زَرِدِ مَو تَا دِيْدِت بَه حُس^(۹) گُهْد^(۱۰)
 زِيُو وَا پَشْت^(۱۱) دِي^(۱۲) فَصَلِ بُهَارِه

-
- ۱- سنگ ۲- شكستند ۳- نزد تو ۴- چشمان ۵- آتش
 ۶- چنان ۷- سوختم ۸- خاکستر ۹- خودش ۱۰- گفت
 ۱۱- زین پس ۱۲- دیگر

دل مشکل پسندم سیت^(۱) امیره
 میر^(۲) مین دستِ گرمیت مهره ماره
 ز دستم زهده^(۳) دی اوسارئی^(۴) دل
 اگم^(۵) شاید یو کار تیگ نوشته^(۶)
 ز ویرم^(۷) نی روه^(۸) هرگز خیالت
 که عشقت مین دلم باوینه کشته

-
- ۱- برایت ۲- مگر ۳- رفته ۴- افسار
 ۵- با خود می‌گویم ۶- سرنوشت، پیشانی نویس
 ۷- یادم - خاطریم ۸- نمی‌رود

دُهدَرِ بَهار

واخُم (۱) گُدم (۲) که اَمسال سرتاسرِ س بَهاره
 اما دلم ندونست یو (۳) دَنگِ (۴) روزگارِه
 ئی زه که ایرسونه پاوسته ای به حونت
 چن (۵) آسمون درازه هم دیر (۶) و ناهوارِه
 فانوسم اشکنادی (۷) و ابرد (۸) بی بفائی
 اما به نور عشقت تیها مو غم نداره
 گولم مزن زمونه مو دُهدَر (۹) بَهارم
 سوزم (۱۰) همیشه حتی، بارون آیر نبارِه

-
- ۱- با خودم ۲- گفته ۳- این ۴- بازی ۵- اندازه
 ۶- دور و ناهموار ۷- شکستند ۸- سنگ ۹- دختر
 ۱۰- سبزم

وا ترکه‌ای ز عشقِ وستی^(۱) به جونِ ئی دل
جاری بگن «مَمیرا» بیچاره تازه کاره

زحم قدیمی

وُر کِرده^(۱) تش غمت آیر بو
 شمشاد اِبوهُم^(۲)، آر تَبِر بو
 دل پُر زِ هوایِ مادیونی
 آر شهنش^(۳) عاشقِ کَهَر بو
 آستاره پُر گِلینِ تیمه^(۴)
 ار ترسی شَوا^(۵) تو بی سحر بو
 هی تیشه تو بو و بیستون مو
 تا زحمِ قدیمی تازه تر بو

۱- آتش غمت اگر بر کرده، گذاخته باشد. ۲- می شوم

۳- شیئه عاشقانه ۴- دامان چشم من پر از ستاره است.

۵- اگر نگران شبهای بی سحر هستی

ای خَوشِ غَمِ سُهْرِ (۱) تیرِ خَورِدِن
 مو پازَنُم (۲) آر پَنَه کَمَر (۳) بو
 صُحُورِ پِگَهی (۴) که ایگروسیم (۵)
 کاشکی همه مال بی خَور بو (۶)

-
- ۱- سرخ ۲- بزیا میش کوهی ۳- کوه پناهم باشد
 ۴- دم صبحی - پگاهی ۵- می گریزیم
 ۶- همه اهالی بی خبر بمانند.

اُویدی

دُواره^(۱) عشق اُوید^(۲) و تَش به پا کِرد
 درِ اَفْتو^(۳) به ری شوگار وا کِرد
 به دشت تشنه دل خَش اُویدی
 بُهون^(۴) عشقته مِنْ سینه زیدی
 کَمَوتر^(۵) سیت اِرِیْزُم چینه عشق
 اِدوْنم بِالْتِه دردینه^(۶) عشق
 بیوکه آسْمون مالِ خُمونه^(۷)
 اَیر عشقِه تیه کالِ^(۸) خُمونه

۱- دیگر بار ۲- آمد ۳- آفتاب را ۴- سیاه چادر ۵- کبوتر

۶- دردمند ۷- آسمان از آن ماست ۸- چشم قهوه‌ای

اَویدی تا بگوی گورَو نمهنیم^(۱)
 سحر تاریک و بی افتو نمهنیم
 موادا^(۲) حونه افتو بلا بو^(۳)
 بهارِ دل به زردی مبتلا بو
 تیاتو برقی صد آستاره داره
 به دشت سینه مون امشو اباره
 موادا حُشک^(۴) و ابو^(۵) ریشه هامون
 که زرد ایو گل اندیشه هامون

۱- آمدی تا بگویی مردابی نمائیم
 ۲- مبادا
 ۳- خانه آفتاب گم شود
 ۴- خشک
 ۵- شود

نَفْسَم

چندیه^(۱) وائتم و به زیر ساتم نفسم^(۲)
 مست باوینه^(۳) پُر عطر صداتم، نفسم
 عهد بستم که تونه هیچ به تهنه^(۴) نهلم^(۵)
 پس قافم که روی باز و اباتم^(۶)، نفسم
 چه غم آر خونمه تو کردیه و برون و خراؤ
 زار و پابسته او بند پلاتم^(۷)، نفسم
 عمر مو پیش کشت تا که نمیری ای گل
 مرگ آیر^(۸) باز بیا هه به نیاتم^(۹)، نفسم

-
- ۱- چندیست ۲- با تو هستم و به زیر سایه تو هستم. ۳- بابونه
 ۴- تنها ۵- نگذارم ۶- با تو هستم ۷- گیسوانت
 ۸- اگر ۹- جلو (در اینجا استقبال و پیش مرگ بودن)

دی بُهار و گل نسرین و چمن سی چنومِه
موکه سرمستِ چویلايِ (۱) میاتم (۲)، نَسم

ہل ہل کوسہ

قحطِ بارونہ ییو ہل ہل کوسہ^(۱) بکنیم
 پیش کہ جون زمین خشک بسوسہ^(۲) بکنیم
 تشنیمونہ، گل حسرت ز دلامون ایدرا
 فکر تا دیو زمستون بگروسہ^(۳) بکنیم
 تر کن ای اور بھاری تو گلینِ دلْمہ^(۴)
 چندیہ وارگہ^(۵) غم پَنشین^(۶) دلْمہ
 حُم نشوندُم غمتہ، بارندا، سایہ نوند
 ئی درخت عمریہ کہ تشنہ بہ خینِ دلْمہ

۱- دعای باران (بصورت نمایش آیینی) ۲- خشک بسوزد

۳- بگریزد ۴- دامان دلم را

۵- بارگاہ، جای علم کردن سیاہ چادر ۶- ہمنشین

سوزم و سیره

تنگه دلم چمتم^(۱)، یار، یار، یار
 وری که بوازیم سیرِ دل
 بی ساز و بی دهل
 سی دنیایِ دوشمون^(۲)
 سفر کنیم به پار و به پیرار
 یا نه،
 به صُخو نویده پر از بهار
 دستی بکش، به آسمون پر از رنگ
 سوزم و سیره^(۳) به لم بیار^(۴) سی می نای «گلبناز»^(۵)

۱- مشعل، مایه امید ۲- دیروز ۳- رنگین کمان

۴- پایین بکش ۵- برای روسری دختر ایل

دست بدم که بوازیم^(۱) سیرِ دل
تا زار و زار نگر یویم «دلنواز»!
تنگه دلم، چمتم، ای تیشِ بلاز^(۲)
هف کن که بگهریم^(۳) جورِ دوش

۱- برقصیم، پایکوبی کنیم ۲- آتش افروخته

۳- روشن شویم، شعله ور شویم، مانند دیشب

فرهنگ اصطلاحات

«ص ۴۲ سطر ۶» پریسه مین چاله اومون - آب را در آتش ریخته شدن کنایه از بی لیاقتی است. چاله: آتش خاندان و آتشدان است. بختیارِیها معتقدند که فرزند نرینه آتش روشن خانواده است، اگر بی کفایت باشد آب به آتش ریز است.

«ص ۳۶ سطر ۸» بگوهه دووم تَرْمِشه: دوغ من ترش است. کسی اعتراف به بد بودن آنچه که دارد نمی کند.

«ص ۸۷ سطر ۱» بودهُونی ایکنن - دهانت را می بویند فضولی برای سر درآوردن از کار دیگران.

«ص ۶۱ سطر ۱» بلال بلال - از اصیلترین و عاشقانه‌ترین اشعار

بختیاری که هنوز بر لبها جاریست

«ص ۸۲ سطر ۶» تَریده - غارتگر، چپاولگر نفرینی است (تَریده سر

راهش بنشیند = او را با هر چه دارد ببرد)

«ص ۳۷ سطر ۶» تَش گِرِهده - زبانزد است هم برای نفرین هم برای

حیرت و شوخی - تش به کار = هم شامل همین

توضیح است.

«ص ۴۷ سطر ۳» تَب تَب گُنون - یک بازی هست که یکی سر می‌گذارد

و بقیه قایم می‌شوند وقتی دست از سر چشمانش بر

می‌دارد تا به نور عادت کند کورمال کورمال راه

می‌رود. منظور در این بیت لمس کردن عروسک در

تاریکی برای اطمینان از وجود داشتنش.

«ص ۳۸ سطر ۵» تیرِ کوهمیرِ گگو مُرده - کوهمیر: مرگ ناگهانی در کوه،

می‌گویند (آل یا دیو) اگر برادرش بمیرد با حرصی

مضاعف فرد را نابود می‌کند (افسانه).

«ص ۴۲ سطر ۵» چُمت - مشعل، اجاق معتقدند که فرزند نرینه باعث

روشن ماندن اجاق و آتشدان خانواده و بقا و

سرافرازی هستند. از کلمات تحبیب اما چُمت - سیم

بفرشن، امیدوار کردن است.

«ص ۳۴ سطر ۳» حورجی سُهر - خورجین سرخ (حورج سُهر مینت

خُوم گُشت و بیرینت مردُم).

«ص ۵۵ سطر ۱» خینته سی باد سُهر ایخون - آنقدر با تو دشمنند و

بدخواه که حاضر نیستند تو را زنده روی زمین ببینند،

شدیدترین بدخواهی‌ها.

«ص ۷۰ سطر ۶» زکِ تی درده - برای هجو سبک سری و بی چشم و
رویی فرد به کار می‌رود.

«ص ۶۱ سطر ۳» زمار - متولد شدن. خورزمار - خواهرزاده (فرزند
خاله)

«ص ۷۴ سطر ۵» شیوسته شار - وقتی بزرگ ایلی فوت می‌کند
می‌گویند سرگردان و شار شیوسته شده‌اند
(شیوسته‌شار)

«ص ۲۰ سطر ۷» شیر دات - صادقانه ترین قسمها (شیر مادرت).
«ص ۲۶ سطر ۳» شه پیسه - ابلق، سیاه و سفید، مشق نوشتن، سیاه
مشق، جوهر سیاه و کاغذ سپید.

«ص ۸۹ سطر ۱» قَدَک به گرده - عزادار، رنگ کبود کنایه از تیره‌ترین
رنگها به نشان عزاداری است.

«ص ۴۰ سطر ۱۵» کورنی بو چاله هامون - آتشدان ایل به سردی
نمی‌گراید.

«ص ۵۴ سطر ۱» گوگت خروس ایخونه - از شادی در پوست نگنجیدن.
«ص ۶۲ سطر ۱» کیش سهر - ری گلال - هدیه‌ای برای خوشبختی (تور
عروس).

«ص ۸۷ سطر ۳» گره گپ - گزر گپ، سکوت، دم برنیاوردن.
«ص ۶۲ سطر ۲» مایون - مادیان مظهر زایش مرکب عروس به خاطر
شگون.

«ص ۹۸ سطر ۲» مهره مار - به دست آوردن آسان آنچه می‌خواهند.

«ص ۱۰۵ سطر ۱» نَقْصَم - کلمه تجیب، مایه زندگانی

«ص ۹۰ سطر ۲» مین سر شوره - از بس خسیس است کلاه برای خودش
تهیه نمی کند تا آفتاب نسوزاندش.

«ص ۵۷ سطر ۲» مینا بنوش - رنگ لباس بختیاری ها نمایانگر فرهنگ
آنهاست و رنگ بنفش برای زنها جایگاه خاصی دارد.
(مینا بنوش در آوازهها زیاد شنیده می شود)

«ص ۷۱ سطر ۲» ورپله - سد، مانع.

«ص ۱۰۷ سطر ۱» هل هل کوسه - نمایش آیینی سنتی که در
سالهای کم بارش اجرا می شود.

● خوانندگان گرامی می‌توانند نقطه نظرات و پیشنهادات
خود را درباره این کتاب به آدرس:
استان لرستان - الیگودرز - صندوق پستی ۱۷۶
با نویسنده در میان بگذارند.

● نشر صنوبر منتشر کرده است:

● ادبیات نمایشی

- مرد فرزانه. ببر دیوانه
- شبانه و سه نمایشنامه دیگر
- ماه تی تی
- دیر راهبان
- مکبت
- سه بازخوانی
- باد اسب است و ده نمایشنامه دیگر
- قطب الدین صادقی
- محمد چرم شیر
- اردشیر صالح پور
- محمد چرم شیر - فرهاد مهندس پور
- محمد چرم شیر - فرهاد مهندس پور
- محمد چرم شیر - آتیلا پسیانی
- محمد چرم شیر

● کودکان

- رنگ آمیزی برای کودکان (دفتر اول)
- رنگ آمیزی برای کودکان (دفتر دوم)
- رنگ آمیزی برای کودکان (دفتر سوم)

● شعر

- توی اون تنگ بلور
- وفای تیشه
- گل باوینه
- عصمت فولادی
- حسن سلطانی
- فریده چراغی

● داستان

- نظم و آرامش
- خاطرات محرمانه خانوادگی
- رویا در خاک
- فریدون ندیمی
- محمد قاسم زاده
- اکرم قاسم پور

● علمی

- خیار داربستی
- دانستیهای خانه داری
- غلامحسین نصوحی
- شهلا رحیمی

● فرهنگ مردم

- کچل ها و متل ها
- صادق عاشورپور

● تاریخ و فرهنگ

- از توس تا دوشنبه
- صنم کازرونی

● پژوهشی

- زنان شاهنامه
- حسین صفی



شابک: ۸-۱۱-۶۰۵۲-۶۶۴-۹۶۴
ISBN: 964-6052-11-8

با تشکر و سپاس از سرکار خانم بوجانی مسؤل محترم کتابخانه رهنمان که فارغ از بروکراسی های معمول و بدون هیچ شناخت قبلی و تنها و تنها برای پادشاهت حریم علاقه مندان کتاب و کتاب خوانی نخواستی پیراسته از این اثر دوزین را در اختیار بنده نهاد. امید که خداوند بر امثال ایشان بیفزاید. (شب پران) این نسخه کاملاً با نسخه چاپی آن منطبق و هماهنگ است
